

ایمان فرعون گفته معتقدا ایمان فرعون کشید و آنچه شیخ بر کور
مرح اصحاب رضی الله عنهم با بیضا و توضیح هر چه تامل و باز
در یکی بلکه در جای ذکر نموده اعتقاد بر خلاف آن دارند نمیدانم
وجه تفرقه خواهد بود غیر از آنکه خدا تعالی در شان فرعون فرمود
فکذب عصی ثم ادبر سعی فخره فنادی فقال انما ربکم اللہ علی
فاخذہ اللہ نکال اللہ و اللو فی کربنیا دعوی الوہیت لہ و
مفہوم میکرد و آنچه از آیات که در مرح اصحاب نازل شده
بحسب سبک و از راه نیاز التمام عبودیت نموده اند و نیز از
کلام از شیخ است مذکور که در حق فرعون ذکر نموده معلوم میکند
که آن کلام از شیخ است کلام رسول خدا است فاقیم و نیز شیخ
مذکور در فتوحات مکیه کلمه اوقالی کتبه و اتباع شیخ نسکویند
که هر چه در فتوحات است صحیح است که شیخ بعد از تصنیف آن
آنرا بر سطح کعبه نگاشت تا آنکه هر چه بر سطح بود رفت و هر
مانندی بود ماند و کفر فرعون از ماند است در آن و این نقل
شیخ با اعتقاد بودن ایمان فرعون منقول از حضرت رست
شاه است چنانچه از خطبه فصوص ظاهر شود صحیح می توان کرد که
تناقض صحیح است و توقع تناقض در کلام غیر خدا بویسته تقدیر

ایمان

و نیز سند معتقدا لوجود و انہ اختلفا فی اقام
باید دانست که فارغ از تصریح در فاعله آنکه نکال اللہ و اللو
بر ما قبل دلالت دارد بر آنکه ایمان معتقدا الله تعالی از فرعون
بوقوع نیامده و الله تعالی مستخرج بر ایمان می شد و نیز تقدیر
مؤمن مستغفر واقع نیست بلکه بطور جمعی جائز نیست و نص
قرآنی و ما کان اللہ لیعذبہم و انت فیہم و ما کان اللہ معذبہم
و ہم یستغفرون صحیح است در آنچه مذکور شد و اگر ایمان فرعون
مستثنی بود در و در آن نکال اللہ و اللو عذاب بنویسی بود تقدیر
سومین تائب بوقوع می آمد و این کلام بر تقدیر تائب اراده عذاب
در بنویسی است از نکال اللہ و اللو اما اگر مراد از عذاب دار اللہ
باشد پس مطلب ظاهر است و نیز از کربیتی اذا ادرك الغروب
الایہ ایمان و تقدیر فرعون بنبوۃ حضرت موسی علی نبینا
علیہ الصلوۃ والسلام معلوم نمیکرد بلکه آنچه از اهل معلوم میشود
اینست که حضرت موسی را علی نبینا و علیہ الصلوۃ والسلام
یکی از بنی اسرائیل میدانست و نیز از کرمیان کمال اللذات
حصر حال فرعون مثل سایر امثال او از علو و شؤ و در کذب
رسن ظاهر میکرد و در حدیث صحیح که در مشکوٰۃ مذکور است بر کفر